

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۲

doi 10.22034/nf.2023.177058

یک رساله دینی با زبان فارسی در قرن هشتم در آنتولی

(رساله اسئله و اجوبه در علم تفسیر و حدیث اثر جمال الدین آق سرائی)

* آمنه بیدگلی (عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

چکیده: رساله اسئله و اجوبه را جمال الدین محمد آق سرائی (متوفی پیش از ۸۰۰ هجری)، ادیب، مفسر و عالم عثمانی، در قرن هشتم، به زبان فارسی تألیف کرده است. جمال الدین آق سرائی از مردم آق سرا، واقع در آنتولی، و در شمار عالمان دینی و عقلی در روزگار مراد یکم عثمانی (حکومت ۷۶۱-۷۹۱ ق) بود. چنان که در مقدمه این رساله آمده است... وی آن را به اشارت «سیف الدوله الحاج شاذکلدی پاشا» حاکم اماسیه (۷۸۳ م) به زبان پارسی نوشته است تا برای اهل دیار عثمانی نافع تر و موثرتر باشد. از این عبارت برمی آید که آثار تألیفی علمی در آن زمان به زبان عربی بوده است. همچنین نشان از آن دارد که مردم آن دیار در زمان تحریر رساله به زبان پارسی سخن می گفته اند و این زبان در آن منطقه و در میان عموم یا گروهی از مردم رواج داشته است. رساله اسئله و اجوبه پس از مقدمه ای مختصر، در دو باب تألیف شده است؛ باب اول در علم تفسیر و باب دوم در علم حدیث. مؤلف، که خود مدرّس علوم دینی بوده است، سؤالاتی را مطرح می کند و بدانها پاسخ می گوید. نثر این رساله

سلیس و روان است و در آن، مسائل و دقائق تفسیری و حدیثی، با بیانی عالمانه و زبانی ادیبانه، طرح و واکاوی شده است.

کلیدواژه‌ها: اسنله و اجوبه فی علم التفسیر و الحدیث، جمال‌الدین آق‌سرای، آق‌سرا، آناتولی، زبان فارسی، قرن هشتم.

۱ مقدمه

از تحقیق در منابعی نظیر تاریخ ابن بی‌بی، مناقب العارفین، روضه‌الکتاب و مسامره‌الاجبار برمی‌آید که آسیای صغیر، از اوایل قرن ششم تا اواسط قرن هشتم، محیطی چندفرهنگی بوده است. هنگامی که سلجوقیان پای در دیار روم نهادند، سیر مهاجرت ایرانیان به شهرها و ترکمانان به دشت‌ها و جلگه‌ها، گوناگونی ملیت‌ها و فرهنگ‌ها را افزون‌تر کرد؛ لکن زبان و فرهنگ ایرانی، زبان و فرهنگ طبقهٔ ممتاز شد. ابن بی‌بی (ص ۷۷) در حوادث سال‌های آخر قرن ششم می‌گوید: «در پنج زبان که در بلاد روم بیشتر خلق بدان مکالمت نمایند {غیاث‌الدین کیخسرو} استحضاری تمام حاصل کرده و بر دقائق حقایق آن اطلاع و احاطت و مهارت بی‌نهایت میسر گردانیده؛ چنان‌که اگر وقتی به زبانی از زبانها به تکلم آمدی گمان اجانب چنان بودی که به اصل و نژاد از اصحاب آن زبان و ارباب آن لسان و اقوام آن کلام است» (← ریاحی، ص ۹). این چندگونگی فرهنگی حتی در آثار ایرانیانی که به روم رفته و در آنجا ساکن شده بودند، دیده می‌شود؛ در اشعار مولوی به کلمات و عبارات رومی و ترکی برمی‌خوریم. همو می‌گوید پادشاهان سلجوقی معمولاً به زبان فارسی سخن می‌گفتند (همان، ص ۷۹).

بعد از استقرار سلجوقیان و امرای دست‌نشاندهٔ آنها در آسیای صغیر به تدریج زبان فارسی زبان رسمی آن دیار شد. محاوره در شهرهای مهم و نامه‌نگاری در دستگاه امیران و تدریس و تألیف و تصنیف و شاعری به زبان فارسی بود. زبان اکثریت ساکنان آن دیار رومی، و زبان اقلیت غالباً ارمنی بود. قبایل نورسیدهٔ ترکمن زبان ترکی داشتند و از طرف دیگر، زبان دینی و زبان رسمی خلافت عربی بغداد، عربی بود. اما فارسی در مقام زبان رسمی بر همهٔ آنها برتری داشت؛ چراکه خاندان سلجوقی پیش از رسیدن به روم، در ایران، با زبان و فرهنگ ایرانی خو گرفته بودند، دیوانیان و کارگزاران آنها هم ایرانی بودند و به زبان خود می‌نوشتند و سخن می‌گفتند. زبان ترکی آن روز قبایل نیز پختگی و ورزیدگی لازم را برای رفع نیازهای جامعه و دولت نداشت. زبان رومی هم زبان قوم مغلوب و زبان کفار شمرده می‌شد (← همان، ص ۲۳-۲۴).

زنده‌یاد احمد آتش در مقاله تحقیقی خود با عنوان «آثار فارسی در قرن ششم تا هشتم در آناتولی» کتاب و رساله را، که در آن قرون در آن سرزمین تألیف شده، به ترتیب تاریخی معرفی کرده است. آتش عباراتی از مقدمه آن کتاب‌ها را نقل می‌کند که در برخی از آنها تصریح گردیده زبان فارسی مفهوم‌ترین آن زبان‌ها بوده و به‌ویژه بر لغت تازی ترجیح داشته است؛ برای مثال جمال‌الدین محمد آق‌سرای در مقدمه رساله اسئله و اجوبه می‌گوید: «اسئله و اجوبه‌ای چند از علم تقسیر به زبان پارسی، که اهل این دیار را از لغت تازی و عبارت حجازی انفع، و استفهام دقایق را بر افهام خلائق اوقع است، تحریر کنم» (← آق‌سرای، نسخه شماره ۷۱، برگ ۱)؛ همچنین قطب‌الدین شیرازی در اختیارات مظفری که خلاصه‌ای از کتاب نه‌ایه‌الادراک خود او به زبان عربی است می‌گوید: «اشارتی رفت که فصلی چند در شرح اوضاع و افلاک و اجرام پردازد و تعبیر آن به الفاظ فارسی طرازد تا عواید فواید او خاص و عام را شامل بود» (به نقل از ریاحی، ص ۲۵).

۲ پیشینه پژوهش

وجود آثار ناب به زبان پارسی در قرن هشتم و در منطقه عثمانی حکایت از رواج این زبان در آن منطقه دارد. این رساله افزون بر ارزش‌های دینی و اعتقادی، ارزش‌های زبانی و ادبی فراوانی نیز دارد. بی‌تردید تعمق بیشتر در این متن و متون مشابه آن در بررسی سیر تحولات زبان فارسی مؤثر خواهد بود.

رساله اسئله و اجوبه اثری گمنام است و در کتابخانه‌های ایران تنها نسخه‌ای ناقص از آن موجود است. چند نسخه از آن نیز در کتابخانه‌های ایاصوفیه و حالت افندی موجود است که مشخصات آنها در ادامه مقاله آمده است.

آق‌سرای منطقه‌ای دارای شهرت است که در منابع تاریخی، جغرافیایی و ادبی تا حدودی به معرفی و وجوه اهمیت آن پرداخته شده است. همچنین جمال‌الدین آق‌سرای عالمی شهیر در منطقه جغرافیایی آناتولی است. ذکر یاد او به بزرگی و نیز شرح احوال و آثار او در منابع زیادی مشهود است؛ با این‌همه، در بین آثار آق‌سرای، رساله اسئله و اجوبه از چشم اهل تحقیق دور مانده و در منابعی که این آثار معرفی شده بدین رساله اشاره‌ای نشده است. دلیل واقعی این امر مشخص نیست، اما می‌توان محدودیت‌هایی نظیر شمار اندک یا دور از دسترس بودن نسخه‌های این اثر را در کم‌توجهی به آن دخیل دانست (رشنوزاده، ج ۶، ص ۵-۶). به هر روی، شناخته بودن مؤلف اثر و زمان و منطقه‌ای که در آن تألیف شده از مهم‌ترین دلایلی است که تحقیق در این زمینه را ایجاب می‌کند.

۳ موطن مؤلف

آق‌سرای (aq. sar. ray)، موطن مؤلف رسالهٔ اسئله و اجوبه، شهری در آناتولی مرکزی و استان میغده در ترکیه است که در یکصد و هشتاد و دو کیلومتری جنوب شرقی آنکارا واقع شده است. در بستان‌السیاحه (شیروانی، ص ۴۲) آمده است: «لفظ آق‌سرای مرکب است از ترکی و فارسی، به معنی شهر سفید یا خانهٔ سفید باشد، شهری است مسرت‌فزا و بلده‌ای است دلگشا، از بناهای عزالدین قلچ ارسلان سلجوقی». زین‌العابدین شیروانی هنگام تألیف بستان‌السیاحه ساکنان این شهر را ترک‌زبان یافته بود. جمعیت این شهر شامل رومیان، ارمن‌ها و مسلمانان بوده است. بخش اعظمی از مردم این شهر مسلمان و حنفی‌مذهب بوده‌اند. آق‌سرای در روزگار سلجوقیان روم اهمیت فراوان داشت و از مراکز مهم فرهنگ ایرانی به شمار می‌آمد. از دانشمندانی که خاستگاه آنها آق‌سرای بوده می‌توان به این افراد اشاره کرد: «خواجه کریم‌الدین آق‌سرای»، مؤلف مسامره‌الاحبار و مسایره‌الاخیار؛ «جمال‌الدین محمد آق‌سرای»، مؤلف رسالهٔ مورد بحث؛ «مجدالدین آق‌سرای»، از بزرگان قراء مفسر و معاصر ابن بطوطه و ابن بنت آق‌سرای.

در شعر فارسی نیز از آق‌سرای بارها یاد شده است. سیف فرغانی (ص ۱۰۶) سروده است:
شمر تو چون یزید سمر شد به فعل بد ای تو حسین و آق‌سرا کربلای تو

۴ مؤلف رساله

نام کامل وی جمال‌الدین محمد بن محمد بن محمد بن فخرالدین رازی آق‌سرای است. او ادیب، مفسر و عالم ایرانی نژاد ساکن آق‌سرای بوده و مؤلف شقایق‌النعمانیه وی را از نسل چهارم فرزندان امام فخر رازی شناسانده است (طاش‌کپری‌زاده، ص ۱۵). جمال‌الدین در آق‌سرای به تحصیل علم پرداخت و پس از طی مدارج علمی در مدرسهٔ زنجیرلی آق‌سرا به تدریس مشغول شد (همانجا؛ ← بروسه‌لی، ج ۱، ص ۲۶۵). او افراد بسیاری را تربیت کرد و مدرّسی بلندآوازه شد. ظاهراً ملافناری نیز از شاگردان او بوده است (طاش‌کپری‌زاده، همانجا). به استناد منابع، جمال‌الدین با میرسید شریف جرجانی معاصر بوده است (رسولی، ج ۶، ص ۲۷۹).

مدرّس تبریزی، مؤلف ریحانه‌الادب، او را چنین معرفی کرده است: «طیب محقق، عارف مدقق، از اعظم علمای روم است که در علوم شرعیّه و عقلیه و ادبیه و عربیه یدی طولی داشته است و در عهد دولت‌غازی خداوندگار سلطان

مراد خان بن اورخان، در شهر آق‌سرای از ولایت قوئیه، در مدرسه معروف به سلسله یا سلسله مدرّس بوده. و جمع کثیری از علما و فضلا و حکما حاضر حوزه درس او می‌بوده‌اند» (کحاله، ج ۱۱، ص ۱۹۲). «از اینکه بانی مدرسه نامبرده شرط کرده بود که مدرّس آنجا باید صحاح جوهری را حافظ و در جمیع علوم دیگر نیز بهره‌مند بوده و شرکت داشته باشد، جلالت علمی صاحب ترجمه را استکشاف توان نمود» (مدرس تبریزی، ج ۱، ص ۵۸-۵۹). در منابع، شاگردان او برحسب اعتبار به سه گروه تقسیم شده‌اند: مبتدیان، که در رکاب استاد در راه مدرسه، متوسّطان، که در رواق مدرسه، و شاگردان عالی که در داخل مدرسه، از او بهره می‌جستند. او، به شیوه فلاسفه، گروه نخست را مشائیون و گروه دوم را رواقیون می‌نامید (طاش کپری‌زاده، همانجا؛ مدرس تبریزی، همان، ص ۵۹). منابع با اختلاف درگذشت او را بین سال‌های ۷۷۰ تا ۸۰۰ قمری دانسته‌اند (حاجی خلیفه، ج ۱، ص ۲۱۰؛ زرکلی، ج ۱، ص ۷۴-۴۱؛ آتش، ص ۵۷؛ مدرس تبریزی، همانجا؛ رسولی، همانجا).

به او آثار فراوانی نسبت داده‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به عناوین زیر اشاره کرد: شرح‌الایضاح فی المعانی والبیان؛ حاشیه بر شرح ابن ساعاتی بر مجمع‌البحرین و ملتقى‌البحرین؛ در فروع فقه حنفی، اخلاق جمالی؛ شرح‌الغایه‌القصوی فی درایه‌الفتوی، در فروع فقه شافعی؛ حاشیه بر تفسیر کشاف زمخشری به نام حواشی علی‌الکشاف؛ حلّ‌الموجز در طب که شرحی است بر کتاب معروف موجز‌القانون نگاشته علاء‌الدین علی بن ابی هزم قرشی، معروف به ابن نفیس؛ کشف‌الاعراب، در شرح لباب (آقایزگ تهرانی، ج ۱۷، ص ۲۳-۲۵؛ بروسه‌لی، همانجا؛ حاجی خلیفه، ج ۱، ص ۳۶؛ بروکلمان، ج ۵، ص ۲۲۰، ۲۵۴؛ ج ۶، ص ۳۵۸؛ موسوی بجنوردی، ج ۱، ص ۴۹۰).

۵ رساله استله و اجوبه

مؤلف در چند سطر ابتدایی متن فارسی رساله با نثری مسجّع به حمد حضرت ربوبیت و خاتم‌الانبیاء پرداخته است. پس از آن، با عبارت «چنین گوید محرّر این رساله، محمد بن محمد‌الاقسرای»، به بیان سبب تحریر کتاب می‌پردازد و در ضمن آن با مدح «امیر معظم سیف‌الدوله شاذکلدی پاشا» اشاره می‌کند که تألیف اثر به زبان پارسی به دستور او بوده است؛ چنان‌که پیش از این نیز اشاره شد، آق‌سرای، به امثال امر کلدی پاشا، رساله استله و اجوبه را در علم تفسیر و حدیث به زبان پارسی تحریر کرده است تا اهل دیار عثمانی را نافع باشد و فهم اثر، نسبت به زبان عربی، برای آنها آسان‌تر شود. همین نکته‌ای تأمل‌برانگیز است که موضوعی مبتنی بر زبان عربی، چون تفسیر و حدیث، به زبان فارسی بیان شده است.

آق‌سرای بنیاد رساله را بر دو باب نهاده است: «باب اول در استله و اجوبه علم تفسیر» و «باب دوم در استله و اجوبه از علم حدیث». روش مؤلف، که مدرس علوم دینی و عقلی است، طرح سؤال و

جواب است؛ بدین نحو که سؤالی را در علم تفسیر یا علم حدیث طرح می‌کند و جواب آن را به اقتضای سؤال می‌آورد؛ برای مثال سؤال می‌کند: «چه نکته است که در قرآن فرمود الحمد لله رب العالمین {و} نفرمود خالق العالمین و مانند آن و در پی آن جواب می‌دهد: «نکته آن است که رب پروردگار را گویند و پروردن دلالت کند بر احتیاج دائم مربوب به پروردگار خود به خلاف لفظ خالق و مانند آن» و سپس سؤال و جواب بعدی را مطرح می‌کند.

حدود بیش از نیمی از رساله، ۱۴۸ سؤال و جواب، در تفسیر است و باقی، ۴۸ سؤال و جواب، در حدیث. مؤلف در پاسخ‌ها به شیوه‌ای عالمانه و با بیانی دقیق و عموماً به اختصار پاسخ می‌دهد. در پاره‌ای موارد، به آراء دیگران اشاره می‌کند؛ برای مثال، در استناد به نظر علمای معانی، نظر شرف‌الدین طیبی در حواشی کشف را ذکر می‌کند. او در بعضی موارد، اقوال گوناگون را نیز می‌آورد؛ برای مثال، در پاسخ به سؤالی می‌گوید: بعضی از مفسران گویند، یا در جای دیگری قول اول و دوم را می‌آورد و قول اول را قول اکثر می‌شمارد. می‌توان گفت آق‌سرایبی در تفسیر به وجوه مختلف و آراء متفاوت نظر داشته است. او به الفاظ آیات قرآن و دقایق معانی توجه کرده است که نشان از احاطهٔ علمی و ادبی او دارد. مؤلف به اقوال صاحب کشف فراوان استناد کرده است که موافق بسیاری از آراء تفسیری اوست. همچنین اقوال امام فخرالدین رازی نیز کانون توجه وی بوده است.

مؤلف در سؤال و جواب از احادیث عموماً به بیان احادیث نبوی پرداخته است؛ برای مثال، در سؤال می‌گوید: «می‌فرماید اذا زلزلت الارض زلزالها تعدل نصف القرآن، سبب تخصیص نصف چیست؟» و جواب می‌دهد «احکام قرآن یا دنیاوی است یا اخروی؛ و اصول احکام اخروی باسرها در این سوره مذکور است؛ پس بدین اعتبار عدیل نصف باشد» (آق‌سرایبی، نسخهٔ ش ۷۰، برگ ۹۹؛ نیز ← همو، نسخهٔ ش ۷۱، برگ ۷۸).

۶ رسالهٔ استله و اجوبه و زبان فارسی

اهمیت این رساله، با توجه به زمانه و حوزهٔ جغرافیایی که در آن تألیف شده است، در فارسی بودن زبان آن است. چنان‌که پیش از این نیز اشاره شد، مؤلف در مقدمه اذعان می‌دارد که کتاب را به خواستهٔ امیری برای سودمندی بیشتر به فارسی نوشته است. این خود نشان می‌دهد زبان فارسی بر سایر زبان‌های رایج در آن اقلیم توفیق داشته است، تا حدی که یک کتاب با موضوع تفسیر و حدیث به زبان فارسی تحریر می‌شود.

این اثر نثری روان دارد و از پیچیدگی‌های لفظی و معنوی عاری است. با آنکه به فراخور

موضوع، الفاظ و عبارات عربی فراوانی در متن به کار رفته، در روانی متن تأثیر چندانی نداشته است. همچنین، در بسیاری موارد، کاربرد سجع دیده می‌شود و متن عاری از اطناب است. نمونه نشر رساله: «سؤال: می‌فرماید: اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم، چون مطاوعت رسول و مطاوعت خدای از یکدیگر منفک نمی‌شود، عطف چگونه درست باشد؟ و اولوالامر فرمایندگان مطاوعت هر فرماینده‌ای لازم نیست. جواب: مقصود از مطاوعت خدای امثال حکم قرآن است و از مطاوعت رسول امثال حکم سنت و بر این تقدیر عطف مستقیم است و اولوالامر امیران عادل‌اند و امام فخرالدین - رضی الله عنه - گوید: اولوالامر علمایند که بر حکام حکام‌اند» (آق‌سرای، نسخه شماره ۷۱ ایاصوفیه، برگ ۲۱).

از این رساله چند نسخه در کتابخانه ایاصوفیه موجود است:

(۱) نسخه شماره ۶۹ متعلق به کتابخانه ایاصوفیه. این نسخه ۳۰ برگ دارد. مقدمه‌ای چهارصفحه‌ای به زبان عربی در ابتدای این نسخه است که در نسخه‌های دیگر مشاهده نشد. به نظر می‌رسد کاتب این مقدمه را بر متن افزوده باشد. همچنین در ابتدای رساله نام مؤلف به اشتباه اسفرائینی درج شده است. کاتب در پایان نسخه نام خود را چنین ذکر کرده است: «الفقیه شهاب المرصدی». این نسخه - چنان‌که کاتب درج کرده - در ۸۸۵ق و به خط نستعلیق استنساخ شده است. کاتب در این نسخه برای کتابت عنوان‌ها از شنگرف بهره برده است.

(۲) نسخه شماره ۷۰ متعلق به کتابخانه ایاصوفیه. این نسخه اغلاط اندکی دارد و کاتب با خط نسخ خوش در ۱۰۵ برگ آن را کتابت کرده است. در بخش اول این رساله ۱۴۸ سؤال تفسیری مطرح و پاسخ داده شده است و در بخش دوم حدود ۴۸ سؤال پاسخ داده شده است. نسخه خواناست، عنوان‌ها با خط زرین آورده شده است و هیچ افتادگی در آن مشاهده نمی‌شود. این نسخه را فردی به نام احمد بن اخی طوری المرزغویی کتابت کرده است. این نسخه تاریخ کتابت ندارد. در تألیف این مقاله به این نسخه استناد شده است.

(۳) نسخه‌ای نفیس با شماره ۷۱ متعلق به کتابخانه ایاصوفیه. این نسخه مذهب است و با خط خوش نستعلیق تحریر شده است. سؤال و جواب‌ها به خط زرین نوشته شده است. هشتاد برگ دارد و نام کاتب و تاریخ کتابت در آن درج نشده است. در متن مقاله به این نسخه نیز استناد شده است.

(۴) نسخه شماره ۷۲ متعلق به کتابخانه ایاصوفیه. این نسخه ۶۲ برگ دارد. به خط نسخ و کلمات سؤال و جواب با شنگرف نوشته شده است. در قرن نهم کتابت شده و نام کاتب در آن درج نشده است.

(۵) آتش از نسخه‌ی حالت افندی نیز اطلاعاتی به دست داده است: ۹۵ برگ دارد به خط تعلیق و عنوان‌ها با شنگرف نوشته شده است و در قرن دوازدهم کتابت شده است (آتش، همان، ص ۵۹). برخی از اطلاعاتی که آتش از نسخه‌های موجود این رساله به دست داده است کمی با اطلاعات نسخه‌های موجود مغایرت دارد (← آتش، همان، ص ۵۸-۵۹).

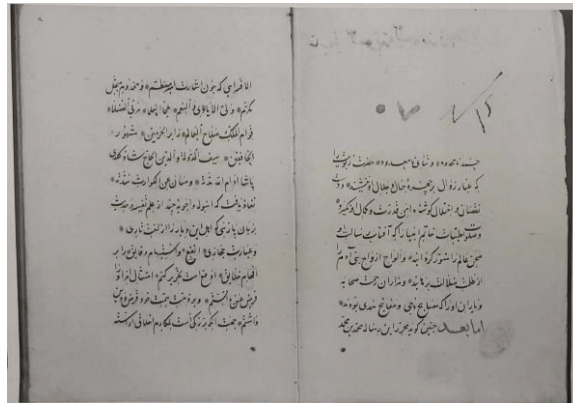
۷ نتیجه‌گیری

رساله اسئله و اجوبه سندی متقن در رواج زبان فارسی در قرن هشتم در منطقه آناتولی است. از این رساله چندین نسخه در دست است و با توجه به شخصیت شناخته‌شده مؤلف، می‌توان به این اثر استناد کرد. این رساله از دو وجه علمی (تفسیر و حدیث) و زبان سلیس فارسی درخور تدقیق است. توجه به این رساله و آثار نظیر آن در قرون ششم تا هشتم در منطقه آناتولی می‌تواند به نقش فرهنگی زبان فارسی، به عنوان زبان رسمی برتر، نسبت به سایر زبان‌های رایج رهنمون شود. جایگاه زبان فارسی در میان ساکنان دیار روم و تفوق آن به زبان ترکی و عربی و ارمنی دلالت بر ظرفیت‌های این زبان دارد. همچنین انتخاب زبان فارسی برای تألیف متون علمی و دینی و خاصه تفسیر و حدیث نشان می‌دهد مردم آن منطقه در قرن هشتم، زبان فارسی را بر زبان عربی و ترکی ترجیح می‌داده‌اند. این نکته نیز حائز اهمیت است که در منطقه آناتولی در قرن هشتم و در حوزه علمی اثری دینی آگاهانه به فارسی تألیف شده است.

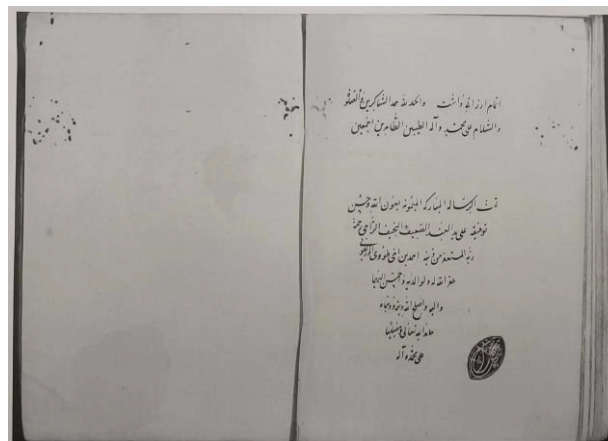
با توجه به اینکه متن رساله محتوای فقهی و دینی با بیانی تعلیمی دارد، محمل مناسبی برای عرضه صنایع بلاغی و بدیعی ندارد؛ البته مشحون بودن متن از آیات قرآن و احادیث به زیبایی متن، از این حیث، کمک می‌کند. در ضمن مؤلف در پاره‌ای موارد به وجوه بلاغی آیات قرآن نیز اشاره کرده است. همچنین ساختار جمله‌ها در این متن از نحو عربی متأثر بوده که نشان از احاطه مؤلف به زبان عربی و معارف قرآنی دارد. نکته حائز اهمیت این است که با وجود به کار بردن لغات عربی و متأثر بودن از نحو عربی، متن رساله ساده و قابل فهم است و با اندکی آشنایی با معارف دینی می‌توان به راحتی به مفهوم متن پی برد. آوردن جملات کوتاه و به کار بردن افعال بسیار در یک بند و نیز استفاده از الفاظ فارسی مربوط به قرن هشتم و سبک نحوی آن دوره از دیگر ویژگی‌های رساله است.

منابع

- آتش، احمد، آثار فارسی در آناتولی از قرن ششم تا هشتم، ترجمه صائمه اینال صاوی، چاپخانه ارتش شاهنشاهی، ۱۹۹۸.
- ابن بی‌بی، اوامر العلابیه، چاپ عکسی، آنکارا [بی‌نا].
- آق‌بزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء، ۱۹۷۷م.
- آق‌سرای، جمال‌الدین محمد، رساله استله و اجوبه، نسخه خطی کتابخانه ایاصوفیه، شماره ۶۹.
- آق‌سرای، جمال‌الدین محمد، رساله استله و اجوبه، نسخه خطی کتابخانه ایاصوفیه، ش ۷۰.
- آق‌سرای، جمال‌الدین محمد، رساله استله و اجوبه، نسخه خطی کتابخانه ایاصوفیه، ش ۷۱.
- آق‌سرای، جمال‌الدین محمد، رساله استله و اجوبه، نسخه خطی کتابخانه ایاصوفیه، ش ۷۲.
- بروکلمان، کارل، تاریخ الادب العربی، مصر، دارالمعارف، ۱۹۷۵م.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون عن اسامی کتب والفنون، داراحیاء، ۱۹۰۰م.
- بروسه‌لی، محمد طاهر، عثمانلی مؤلفلری، منشور سمیر، ۱۳۳۳ق.
- زرکلی، خیرالدین، الاعلام، بیروت، دارالعلم، ۱۹۸۰م.
- رسولی، اختر، «جمال‌الدین آق‌سرای»، دانشنامه ادب فارسی، ج ۶، ادب فارسی در آناتولی و بالکان، به سرپرستی حسن انوشه، تهران، ۱۳۸۳.
- رشنوزاده، بابک، «آق‌سرای»، دانشنامه ادب فارسی، ادب فارسی در آناتولی و بالکان، به سرپرستی حسن انوشه، تهران، ۱۳۸۳.
- ریاحی، محمدامین، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، تهران، پاژنگ، ۱۳۶۹.
- سیف فرغانی، دیوان، به کوشش ذبیح‌الله صفا، تهران، نشر فردوس، ۱۳۴۴.
- شیروانی، زین‌العابدین (بی‌تا)، بستان‌السیاحه، تهران، کتابخانه سنایی، دارالکتاب العربی.
- طاش‌کپری‌زاده، احمد بن مصطفی، الشقائق النعمانیه، بیروت، ۱۳۹۵.
- قطب‌الدین شیرازی، محمود بن مسعود (بی‌تا)، اختیارات مظفری، بی‌جا.
- کحاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۶ق.
- مدرّس تبریزی، میرزا محمدعلی، ریحانة‌الادب، تهران، کتاب‌فروشی خیام، ۱۳۴۶.
- موسوی بجنوردی، کاظم، «آق‌سرای، جمال‌الدین»، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، به کوشش کاظم موسوی بجنوردی، تهران، ۱۳۶۷.



صفحه اول نسخه خطی رساله اسنله و اجوبه، نسخه شماره ۷۰ کتابخانه ایاصوفیه



صفحه آخر رساله اسنله و اجوبه، نسخه شماره ۷۰ کتابخانه ایاصوفیه